

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.301919.2206>

بررسی مبانی و شرایط اصل حاکمیت اراده در حقوق مالی زوجین در حقوق ایران، فقه و حقوق انگلیس

نهال ابراهیم پو^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

سید پدرام خندان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۶

حمیده ره انجام^۳

چکیده

اصل حاکمیت اراده به‌عنوان یک اصل بنیادین که ریشه آن به حقوق غرب و به ویژه سرمایه‌داری صنعتی در حقوق انگلستان در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی بازمی‌گردد، به‌عنوان یک اصل کلی حاکم بر انواع قراردادها از جمله عقد ازدواج می‌باشد. از سوی دیگر، مبانی و شرایط اصل حاکمیت اراده در حقوق مالی زوجین در حقوق ایران، فقه و حقوق انگلستان با یکدیگر تمایزات قابل توجهی می‌نماید. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال است که شرایط اصل حاکمیت اراده در حقوق مالی زوجین در حقوق ایران، فقه و حقوق انگلیس چگونه است و چه تفاوتی با هم دارند؟ د پاسخ آمده است که به‌جز در چارچوب قواعد مبادلات عادلانه و قواعد آمره و قواعد اخلاقی می‌توان اصل حاکمیت اراده در حقوق انگلستان را متاثر کند. که شامل عقد ازدواج و حقوق مالی زوجین می‌باشد، در سایر موارد از جمله غیرمتناسب بودن به معنای زیاده بودن حقوق مالی یکی از زوجین بر دیگری - نمی‌توان قایل به محدودیت حاکمیت اراده زوجین شد. از سوی دیگر، مبانی اصل حاکمیت اراده در حقوق انگلستان بر مبنای اصولی هم چون اصل حسن نیت، مبادلات عادلانه و عدم نقض قواعد آمره بنیان نهاده شده است. این در حالی است که در حقوق ایران که از موازین فقهی شیعی نشأت گرفته شده است، اصل حاکمیت اراده در حقوق مالی زوجین در مقایسه با حقوق انگلستان به شدت محدود شده است؛ به نوعی که قانون‌گذار علی‌رغم شناسایی حق زوجین از جمله در تعیین میزان مهریه اما وصول آن را تا قابلیت مشخصی محدود کرده است. روش پژوهش حاضر تفسیری-کیفی و با روش کتابخانه‌ای-اسنادی انجام پذیرفته است.

کلید واژگان: اصل حاکمیت اراده، نکاح، انگلستان، فقه شیعه، قانون مدنی، قراردادهای اموال متاهلی.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

^۲ استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران: * (نویسنده مسئول)

^۳ گروه حقوق، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

خانواده به‌عنوان یک مجموعه و تشکل منحصربه‌فرد که هم در آن، فردیت زوجین مورد حفاظت قرار می‌گیرد و هم به حقوق متقابل آنها احترام گذاشته می‌شود؛^۱ بر اساس مهر و محبت متقابل زوجین نسبت به یکدیگر شکل گرفته و این عامل باعث ثبات و ماندگاری آن می‌شود. قبل از اسلام، روابط مالی نیز بر این قرارداد مقدس حاکم بوده که از جمله آن، پرداخت مهریه به زن می‌باشد. اسلام نیز این امر را مورد تأکید قرار داده است.^۲ کارکرد خانواده که به موجب عقد نکاح می‌باشد و اهداف تشکیل خانواده، سبب می‌شود که قواعدی مغایر با عقود دیگر بر آن مسلط باشد.^۳ در ازدواج دائم و موقت، حقوق و تکالیف زوجین دارای دو بخش مالی و غیرمالی بوده و زوجین به دلیل تفاوت‌های جنسیتی، از حقوق مالی متفاوتی برخوردار هستند. مهم‌ترین حقوق مالی زوجین عبارت است از: مهریه، نفقه، اجرت‌المثل، حقوق وظیفه و مستمری و ارثیه.^۴ اما با این وجود، قوانین و مقررات ایران نیز برای هر یک از زن و شوهر حقوق متقابلی را بیان کرده که آگاهی از اهمیت و رعایت آن‌ها از جانب دو طرف، متضمن استحکام نظام خانواده است و توسل به ضمانت اجرای حقوقی و رجوع به مقامات قضایی، به هنگام ضرورت، به‌عنوان آخرین علاج، می‌تواند مورد استفاده واقع شود.^۵

^۱ Bier, Laura, "Revolutionary Womanhood: Feminisms, Modernity, and the State in Nasser's Egypt", Stanford University Press, ۲۰۱۱, p ۱۰۱.

^۲ محمدی، امیر؛ نظام مالی خانواده، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۳.

^۳ اسدی، لیلا سادات؛ بررسی تطبیقی معاضدت‌های مالی حین طلاق و پس از آن، فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۱۳۹۰، ص ۵.

^۴ کاویانی‌فرد، حمید؛ مبانی حقوق حقوق مالی زوجین، دوفصلنامه رسالت حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۵۹.

^۵ در حقوق ایران، در مورد اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی، دو سنخ ماده و متن وجود دارد، دسته اول برآمده از نظام سنتی و فقهی ماست (مانند ماده ۲۳۴ قانون مدنی و یا مواد ۷۵۲ قانون مدنی به بعد در صلح به خصوص ماده ۷۵۴ قانون مدنی) در این مواد، اراده باید در شکل و قالب شرط یا عقد ابراز شود و قرارداد منعقد عنوان‌دار خواهد بود. دسته دوم مواد، موادی هستند که از نظام رمی-ژرمنی وارد حقوق ایران شده‌اند. مهم‌ترین ماده برآمده از نظام غربی، ماده ۱۰ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد:

«قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد؛ نافذ می‌باشد.»

با پذیرش ماده ۱۰ قانون مدنی، این قانون پذیرفت تا شکل به‌جز در موارد استثنایی در مورد ماهیت و صحت قراردادهای دخیل نباشد و طرفین بتوانند هر نوع تعهدی را که خود بخواهند فارغ از شرط یا صلح یا هر عقد معین و مسمای دیگر بین خود برقرار نمایند. برای اطلاعات بیشتر در این باره ن.ک به: بیگدلی، عطالله؛ حاکمیت اراده در فقه امامیه، نظام رمی-ژرمنی و حقوق ایران؛ درآمدی مبنایی-فلسفی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال شانزدهم، شماره اول (پیاپی ۴۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۳۰.

جدا از تفاوت کلی نظام‌های حقوقی انگلستان و ایران در موضوع سکولار بودن^۶ و این‌که طلاق برخلاف قانون مدنی ایران، صرفاً حق زوج نبوده بلکه زوجه نیز به همان میزان زوج می‌تواند درخواست طلاق دهد^۷، چند موضوع مرتبط با حقوق مالی زوجین با توجه به اصل حاکمیت اراده مهم می‌نماید:

فارغ از این‌که اصل حاکمیت اراده بنا بر ادعای برخی ساخته مکتب اقتصاد آزاد انگلستان بوده و به نوعی حقوق انگلستان در تدوین و توسعه آن نقش موثری ایفاء کرده است^۸ و همین‌طور، تحولات جدید در نظام حقوقی اتحادیه اروپا که در قالب ماده ۱۴ مقرر رم ۲ اصل حاکمیت اراده در کلیه تعهدات قراردادی و غیرقراردادی اعم از حقوق مالی زوجین مورد پذیرش قرار گرفته است^۹؛ درست است که انعقاد نکاح به موجب رضایت طرفین است ولی آثار آن را زن و شوهر سبب نمیشوند؛ ازسوی دیگر، همین‌که زن و شوهر برای ازدواج موافقت کردند، در شرایطی خاص قرار می‌گیرند که الزاما باید آثار آن را متحمل شوند. بنابراین در حالت کلی، می‌توان گفت که در مورد آثار مالی که بر التزام شخص به نکاح بار می‌شود از جمله نفقه، مهریه باید گفت که اصولاً چنین قراردادهایی تا جایی که با نظم عمومی و اخلاق حسنه مغایر نباشند، از حیث جبران خسارت ناشی از عدم انجام تعهد، نافذ است زیرا هرکس می‌تواند تعهد کند کار مباح انجام می‌دهد^{۱۰}.

قانون‌گذار ما اصل حاکمیت اراده را هدف ندانسته است زیرا در همان ماده‌ای که به بیان این اصل پرداخته است یعنی ماده ۱۰ قانون مدنی، نفوذ حاکمیت اراده را نیز منوط به مخالفت نداشتن با قوانین امری کرده است و همچنین در ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۹۷۵ قانون مدنی نیز نظم عمومی و اخلاق حسنه را نیز بر حاکمیت اراده ترجیح داده است. بررسی علل دخالت دولت در قراردادها از جمله نکاح و مهریه نشان می‌دهد که دولت به خاطر ناکارآمدی اصل حاکمیت اراده در تأمین منافع عمومی و گاهی به دلیل حمایت از موقعیت ضعیف یکی از طرفین، ایجاد نظم در معاملات و یا برای حمایت از شخص ثالث، با استفاده از ابزارها و قواعد حمایتی و نظارتی وارد عمل می‌شود و بدنبال جلوگیری از نابرابری، تبعیض، سوءاستفاده از قدرت و استثمار و حمایت از طرف ضعیف در قرارداد می‌باشد^{۱۱}.

انواع نظام‌های حقوق مالی زوجین با تأکید بر اصل حاکمیت اراده

^۶ Ginena, Karim and Hamid, " Foundations of Shari'ah Governance of Islamic Banks ", John Wiley & Sons, ۲۰۱۵, p ۱۰۳.

^۷ Miles, Joanna et al, " Family Law: Text, Cases, and Materials ", Oxford University Press, ۲۰۱۹, p ۵۵.

^۸السان، مصطفی؛ جایگاه قصد در تفسیر قراردادها، مجله کانون، شماره ۶۵، ۱۳۸۵.

^۹ Stone, p., The Rome II Regulation on Choice of Law in Tort, Ankara Law Review, Vol ۴, No ۲, ۲۰۰۷, p ۴.

^{۱۰} کانونزبان، ناصر؛ نقش قراردادهای خصوصی در نکاح، ص ۸۸.

^{۱۱} رستمی محمدآبادی، هادی؛ محدود شدن اصل حاکمیت اراده با مداخله دولت در قرارداد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته

حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، زمستان ۱۳۹۳، ص ۶.

پیش از شروع بحث، بایستی به تأثیرگذاری اصل حاکمیت اراده بر عقود از جمله عقد ازدواج و حقوق مالی منتج از آن اشاره نمود. این اصل خود منتهی به چهار اصل مهم یعنی اصل آزادی انعقاد قراردادها، اصل نسبی بودن قراردادها و اصل رضایی بودن قراردادها و اصل ثبات قراردادها می‌گردد.^{۱۲} این اصل که خود یک از تئوری اقتصادی به نام *Laissez-faire* اخذ شده است مبتنی بر این است که اشخاص بایستی اولاً در زمینه انعقاد یا عدم انعقاد عقود، مختار و آزاد باشند و ثانياً صرفاً محدودیت‌های خاص مانند نظم عمومی و اخلاق حسنه بایستی بر تلاقی اراده دو یا چند طرف یک عقد حاکم باشد.^{۱۳} تأثیرگذاری این اصل بر عقد ازدواج در وهله اول و بر حقوق مالی زوجین در وهله دوم نیز همان گونه که در بخش قبلی نیز مورد تأکید قرار گرفت، غیرقابل انکار است. در ادامه به صورت مبسوط تری به این تأثیرگذاری پرداخته خواهد شد.

در غیر از فقه

نظام‌های حقوق مالی زوجین در دولت‌های مختلف با یکدیگر متفاوت است. در آن دسته از ایالت‌های آمریکا که تحت تأثیر حقوق رمی-ژرمنی بوده اند از جمله آریزونا، نیومکزیکو، واشینگتن و ویسکانسین هر یک از زوجین قانوناً نسبت به نصف آن چه طرف مقابل به عنوان *مال جامعی*^{۱۴} معرفی می‌نماید، ذی حق می‌باشد.^{۱۵} در حقوق آلمان، قراردادی موسوم به *قرارداد اموال متأهلی*^{۱۶} بین زوجین که هم می‌تواند در زمان انعقاد عقد نکاح و هم بعد از آن انعقاد شود، کارایی دارد که به حقوق و تکالیف مالی زوجین مختص می‌شود.^{۱۷} در رویه قضایی نظام حقوقی کامن‌لا، وظیفه دادگاه این است که قرارداد را تفسیر کند و به قصد طرفین اثر بخشد. دادگاه این وظیفه را با اعطای معنای متعارف و ادبی به واژه‌های به کار رفته در متن قرارداد به انجام می‌رساند و عقد ازدواج نیز از این مستثنی نیست.^{۱۸}

۱-۲- نظام حقوق مالی زوجین با توجه به اصل حاکمیت اراده در فقه:

در نظام حقوقی ما، متأسفانه فاقد یک رژیم مالی معین و مناسب که بتواند حاکم بر روابط زوجین باشد و این که بتوان اصل اولیه حقوق و تکالیف مالی از آن را استنباط نمود، تعریف نشده است. اصل حاکمیت اراده به عنوان یک اصل

^{۱۲} همان.

^{۱۲} Lyndon Shanley, Mary, "Feminism, Marriage, and the Law in Victorian England", Princeton University Press, ۱۹۹۳, p۷۸.

^{۱۴} Community Property

^{۱۵} Weston, Martin, "An English Reader's Guide to the French Legal System", Bloomsbury Academic, ۱۹۹۱, p ۸۲.

^{۱۶} "Gutergemeinschaft"

^{۱۷} Wendler, Michael et al, "

^{۱۸} Barler, David and Padfield, Colin, ۱۹۹۸, p.۷۱.

عمومی حاکم بر انواع قراردادها در فقه شیعه سبقه ندارد و فقهاء زیر عنوان های ویژه خود مانند بیع، اجاره، رهن و شرکت و صلح به بحث می پرداختند و این که فقیهان به تدریج دریافته اند که در کنار فروع خاص هر عقد معین از جمله نکاح، بایستی به نظریه عمومی قراردادها نیز توجه نمایند و قواعد کلی را استنباط و فراهم آورند که تنها به عقد معینی نظر نداشته و حاوی نظام کلی تمامی عقود باشد.^{۱۹} در نظام حقوقی اسلام و هم چنین حقوق موضوعه ایران، پیروی عقد از قصد پذیرفته است و به اصطلاح «العقود تابعه للقصد» و گویای این مطلب است که قصد و اراده در تحقق قراردادها نقش اصلی و عمده را ایفاء می کند، به گونه ای که تحقق قرارداد بدون آن بی معنی خواهد بود.^{۲۰} اما نمی توان بیان کرد که شرایط مالی دو طرف، پیش و پچه قبل از ازدواج چه بعد از آن بطور یکسان است چون که تعدادی حقوق و تکالیف مالی به موجب عقد نکاح میان دو طرف حاصل میشود که به نوعی مشخص کننده ساختار اقتصادی خانواده در نظام حقوقی در حال حاضر ما می باشد.^{۲۱}

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَنَاطٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً» (سوره نساء) / ۳۴ به طور کلی، اداره امور زنان از جمله امور مالی به دو دلیل برعهده مردان می باشد: اولاً چون که اداره زندگی اجتماعی در خانواده نیاز به برتری دادن تعدادی بر تعدادی دیگر است و خداوند نیز برخی را بر دیگران ارجحیت داده است و ثانیاً چون که انفاق و تأمین مخارج زندگی از وظایف مردان است.^{۲۲}

قانون گذار در سال های اخیر، به طرقی حدود اراده زوجین را در تعیین مهریه محدود نموده است؛ به گونه ای که در قانون جدید حمایت از خانواده مصوب اسفندماه ۱۳۹۱ و قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۳ در عمل محدودیت بر ضمانت اجرای اراده زوجین وارد نموده است. هم چنین بر اساس نظریه شورای نگهبان قانون اساسی، افزایش مقدار مهریه ای که در ضمن عقد واقع شده است، عنوان مهریه شرعی ندارد. به نظر می رسد کاهش آن نیز عنوان مهریه نداشته باشد. لکن، لازم به ذکر است که این مورد را نباید با اعمال حقوقی چون ابراء، صلح، هبه و بذل

^{۱۹} امیری اول، محمد؛ اصل حاکمیت اراده در قراردادها، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، مهرماه ۱۳۷۵، ص ۴.

^{۲۰} آفرا، علی؛ بررسی فقهی و حقوقی قصد و نقش آن در تفسیر قراردادها، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تربیت معلم آذربایجان، شهریورماه ۱۳۹۰، ص ۶.

^{۲۱} روشن، محمد و نعیمی، زکیه؛ اصلاح نظام مالی حاکم بر روابط زوجین (زندگی مشترک، دارایی مشترک)، فصلنامه خانواده پژوهی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۵، ص ۵۳۴.

^{۲۲} عالی پناه، علیرضا و دیگران، رابطه الگوهای حقوقی اداره خانواده با حقوق مالی زوجین، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۲۶۴.

اشتباه گرفت^{۲۳}. قانون شیوه انجام محکومیت‌های مالی و استفاده آن در دعاوی مربوط به حقوق مالی زوجه، آثار جامعه‌شناختی با عواقبی غیرقابل جبران برجای می‌گذارد. حبس زوج و عواقب اجتماعی آن و عمیق شدن اختلاف خانوادگی که متأثر از این اقدام زوجه، غالباً نه تنها هی برای صلح باقی نگذارد، بلکه منجر به شروع دعاوی جدی بین زوجین میشود که به تشکیل پرونده‌های دیگر و ادامه دار بودن دامنه اختلاف به خانواده‌های طرفین می‌گردد و پس بخاطر این بوده است که قانون‌گذار حدود اختیار و اراده طرفین را در رابطه با حقوق مالی‌شان در قوانین جدید محصور و مضیق نموده است^{۲۴}.

۳- مبانی فقهی حاکمیت اراده در حقوق مالی زوجین

از آنجا که مبنای قوانین جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه قانون مدنی، از موازین فقهی گرفته شده است بنابراین بایستی قایل بدین بود که در زمینه عقد ازدواج نیز چنین موضوعی را به‌عنوان یک واقعیت مورد پذیرش قرار داد. با این حال، پرداختن به مبنای فقهی حاکمیت اراده، مغایرتی با مبانی پیشین در ارتباط با اصل حاکمیت اراده، که این اصل را یک اصل منبعث از تئوری اقتصادی سرمایه‌داری صنعتی دانستیم، نیست بلکه حقوق اسلام نیز به صورت ضمنی این اصل را مورد پذیرش قرار داده است. در ادامه به مبانی فقهی حاکمیت اراده در حقوق مالی زوجین یعنی اصل عدم ولایت، آیه اکتساب و اصل تسلیط پرداخته می‌شود.

۳-۱- اصل عدم ولایت

ولایت از احکام وضعی بوده که صل اولی و قاعده کلی و جامعه در رابطه با ولایت آن است که هیچ‌کس نمیتواند بر دیگری ولایتی داشته باشد و اگر کسی قرار باشد برجان یا مال دیگری ولایت داشته باشد پس الزاماً چنین ولایتی از سوی خداوند مشخص و وضع شود. شیخ انصاری، ولایت را در قلمرو «الامور العامه المطلوبه للسلطان» می‌داند و گستره آن را «مطلق الامور التي لا بد من الرجوع فيها عرفا او عقلا او شرعا الى الرئيس»^{۲۵} تلقی می‌کند. امام خمینی (ره) نیز به همین ترتیب، دامنه ولایت را اصولاً در امور عمومی و به‌ویژه در زمینه حفاظت از حدود و ثغور کشور اسلامی می‌داند: «ان حفظ النظام و سد ثغور المسلمین و حفظ شبانهم من الانحراف عن الاسلام و منع التبلیغ المضاد للاسلام و نحوها من اوضح الحسبایات و لا یمكن الوصول اليها الا بتشکیل حکومت عادله اسلامیه»^{۲۶} این چنین تعبیری از ولایت در تعبیر

^{۲۳} ابدالی، مهرزاد؛ حدود اراده زوجین در تعیین مهریه و آثار آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، بهمن ماه ۱۳۹۴، ص ۷.

^{۲۴} داوودی، هما؛ ارتباط قوانین خانواده و رویه قضایی با آسیب‌های خانوادگی، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، سال دوازدهم، شماره ۴۷، ص ۶۸.

^{۲۵} انصاری، شیخ مرتضی؛ المکاسب، ابتدای خیرات، ج ۳، صص ۵۵۴-۵۵۵.

^{۲۶} خمینی، روح‌الله؛ کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۶۵.

آخوند خراسانی به نحو بارزتری جلوه می‌نماید به نحوی که «مهام الامور الکلیه المتعلقة بالسیاسه التی تکتون وظیفه من له الرئاسة» استفاده نموده است. نائینی نیز پس از آخوند خراسانی از تعبیر مشابهی استفاده نموده است: «ما یرجع الی الامور السیاسیه التی ترجع الی نظم البلاد و انتظار امور العباد و سد الثغور و الجهاد مع الاعداء و الدفاع عنهم و نحو ذلک مما یرجع الی وظیفه الولاه و الامراه» بنابراین از این امر که اصل ولایت به جز در مورد محجورین اصولاً در نظام فقهی در امور شخصی اعمال نمی‌شود؛ بایستی این برداشت را ارایه نمود که به طریق اولی در کارهای مربوط به ازدواج علی الخصوص حقوق مالی زوجین، اصل عدم ولایت جاری بوده و زوجین می‌توانند بنا به اراده خود، حقوق مالی خود را مشخص نمایند جز در مواردی که با قواعد آمره در تعارض باشد.

۳-۲-آیه اکتساب

برای اثبات استقلال مالی زن در زندگی مشترک با شوهر، به آیه اکتساب نیز می‌توان استناد نمود. در این آیه خداوند می‌فرماید: «للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن» یعنی مردان را در آنچه که به دست می‌آورند بهره‌ای بوده و زنان را در آنچه که به دست می‌آورند بهره‌ای بوده است.

برخی در مورد این آیه گفته‌اند که مقصود از نصیب (بهره) در این آیه، بهره اخروی است و مراد این آیه آن است که زن و مرد هرکدام در قبال کارهایی که انجام می‌دهند در روز جزا، پاداش دریافت خواهند کرد اما چنان‌که مرحوم علامه طباطبایی این آیه را تفسیر نموده‌اند دلیلی نداریم که این آیه را مختص به بهره‌های معنوی و پاداش اخروی بدانیم. بلکه آیه هم شامل بهره‌های مادی که از راه کسب و تجارت بدست می‌آید می‌شود و هم بهره‌های معنوی را در بر می‌گیرد. بنابراین می‌توان از این آیه چنین استنباط کرد که زنان نیز همانند مردان، می‌توانند دارای بهره‌هایی که از راه کسب و تجارت بدست می‌آید، گردند و این بهره‌ها از آن خودشان است و مردان بر آن ولایتی ندارند، همان‌طور که بهره‌های مادی مردان، از آن خودشان است و زنان بر آن ولایتی ندارند. و این به معنای پذیرش استقلال مالی زن و شوهر است.

۳-۳-اصل تسلیط

قاعده یا اصل تسلیط از مشهورترین قواعد فقهی است و به علت کاربرد وسیع اقتصادی و اجتماعی آن، از دیرباز از اساسی‌ترین مباحث فقه اسلامی بوده است. تسلیط در لغت به معنای چیره گردانیدن کسی بر دیگری و مسلط کردن همراه با قهر و غلبه است و در اصطلاح فقهی عبارت است از تسلط و اختیار مالک برای هرگونه تصرف در اموال خویش.^{۲۷} در همین راستا بر مبنای حدیث نبوی «حرمة مال المسلم کحرمة دمه»^{۲۸}، مال مسلمان مانند خونش محترم

^{۲۷} مصطفوی، محمدکاظم؛ القواعد؛ مانده قاعده فقهیه معنی و مدرکا و موردا، قم، بی‌نا، ۱۴۱۷ ه.ق، ص ۱۳۶.

^{۲۸} احمد بن عبد ربه اندلسی، العقد الفرید، دوره ۴ جلدی، چاپ دوم، قاهره - مطبوعه الاستقامه، ۱۳۷۲ ه.ق، ج ۲، ص ۳۷۵ - احمد

بن حنبل، مستند (معروف به مسند احمد)، ۶ جلد، بیروت، المکتب الاسلامی، سال چاپ ندارد، ج ۱۷، ص ۴۴۶.

است و از طرف دیگر به موجب حدیث “لا یحل لامرء مال اخیه الا عن طیب نفسه”^{۲۹}، تصرف در مال غیر جز از طریق جلب رضایت مالک ممنوع شده است. تنها محدودیت اصل تسلیط، قاعده لاضرر است که بنا به تعبیر شهید اول یکی از پنج قاعده کلی فقه شیعه می‌باشد.^{۳۰} بنابراین در صورتی که اصل تسلیط با قاعده لاضرر در تعارض قرار بگیرد، در این صورت این قاعده لاضرر است که حاکم می‌باشد و این موضوع در مورد اصل حاکمیت اراده زوجین در مورد حقوق مالی ازدواج آنها نیز جاری می‌باشد و از این رو، این موضوع نیز می‌تواند به‌عنوان یکی دیگر از محدودیت های جدی اصل حاکمیت اراده دنبال شود.

۴- مبانی حاکمیت اراده در حقوق مالی زوجین در حقوق انگلستان

اصل حاکمیت اراده به‌عنوان اصلی که محصول مستقیم دکترین سرمایه‌داری صنعتی بین سال‌های ۱۷۷۰-۱۸۸۰ میلادی به‌ویژه در انگلستان می‌باشد^{۳۱}؛ به‌عنوان یک اصل اساسی و مبرهن حقوق قراردادها در قانون انگلستان و حقوق اروپایی به رسمیت شناخته شده است از جمله *سند اصول حقوق قراردادها اروپا*^{۳۲} کمیسیون حقوق قراردادهای اروپایی مقرر می‌دارد که اصل آزادی قراردادها تابع اصل حسن نیت، قواعد مبادلات منصفانه و قواعد آمرای است که مشمول این اصول قرار می‌گیرند. اصل حاکمیت اراده به‌ویژه تا قبل از اصلاحات قوانین ازدواج در انگلستان در ۱۸۳۷ میلادی، از اهمیت بیشتری برخوردار بود چرا که تا این سال، عقد ازدواج زوجین تابع شرایط عرفی و نه قانونی بود.^{۳۳} این موضوع در رویه قضایی بریتانیا نیز به رسمیت شناخته شده است از جمله *سر فدریک پولاک*^{۳۴} معتقد بود که پیشینه حقوق املاک در بریتانیا، اصل حاکمیت اراده است.^{۳۵} در کامن لا، سه عنصر اساسی انعقاد قرارداد از جمله ازدواج، توافق (ایجاب و قبول)، قصد انعقاد قرارداد و عوض می‌باشد. ایجاب، ابراز تمایل برای انعقاد قرارداد بر مبنای شروط خاص بوده که با این قصد به‌عمل آمده است که به‌صورت الزام‌آور از سوی شخصی که مورد خطاب است، قبول شود.^{۳۶} ایجاب بایستی همان‌گونه که در قضیه *Carlill v Carbolic Smoke Ball Company* آمده است، به قصد ایجاد الزامات حقوقی انجام معامله برای طرف دیگر باشد نه صرف دعوت به انجام معامله.^{۳۷} بنابراین، در رویه قضایی

^{۲۹} سجستانی ازدی، ابی داود سلیمان بن الأشعث، سنن، دوره ۴ جلدی، نشریه داراحیاء السنه النبویه، سال چاپ ندارد، ج ۲، ص ۱۹۰۵.

^{۳۰} شهید اول، القوائد و الفوائد، ترجمه سید محسن عبدالهادی، قم، انتشارات کتابفروشی مفید، بی تا، ص ۱۴۱.

^{۳۱} Great Britain. Law Commission, "Insurance Contract Law: The Business Insured's Duty of Disclosure and the Law of Warranties: a Joint Consultation Paper", The Stationery Office, ۲۰۱۲, p ۹۰.

^{۳۲} Newman, S.M., "DEMOGRAPHY TERRITORY LAW ۲: LAND-TENURE & THE ORIGINS OF CAPITALISM IN BRITAIN", Lulu.com, ۲۰۱۶, p ۱۵۶.

^{۳۳} Wilkinson, Helen, "The Proposal: Giving Marriage Back to the People", Demos, ۱۹۹۷, p ۲۴.

^{۳۴} Sir Feredrick Pollock

^{۳۵} Buckley, F. H., "The Fall and Rise of Freedom of Contract", Duke University Press, ۱۹۹۹, p ۱۷۷.

^{۳۶} Stover v Manchester City Council [۱۹۷۴] ۱ WLR ۱۴۰۳.

^{۳۷} Pharmaceutical Society of Great Britain v Boots Cash Chemist (Southern) Ltd [۱۹۵۳] ۱ QB ۴۱۰.

انگلستان، در صورتی که در عقد ازدواج یکی از طرفین، بدون قصد الزام آور بودن، دیگری را دعوت به این عقد نماید؛ نمی‌تواند متعاقباً مدعی حقوق مالی ناشی از ازدواج شود چون با مبانی اصل حاکمیت اراده در تعارض می‌باشد. در مورد قبول نیز بایستی بر مبنای رویه قضایی موجود یک ابراز نهایی و غیرمشروط رضایت به مفاد ایجاب باشد. بنابراین مجدداً قبول مشروط در حقوق قراردادهای انگلستان و از جمله در زمینه عقد ازدواج به رسمیت شناخته نشده است و نمی‌تواند واجد اثر در مورد حقوق مالی زوجین نیز باشد.^{۳۸} در رابطه با عقود الکترونیکی همچون ازدواج مجازی در حقوق قراردادهای انگلستان مغایر با دکترین حقوق قراردادهای ایرانی، صرف ارسال قبول کفایت می‌نماید و آثار عقد از آن لحظه بار می‌شود؛ بنابراین در صورتی که در مسیر به علتی به ایجاب کننده نرسید، نمی‌تواند منشاء اثر نشود و قبول کننده از اجرای توافق خودداری نماید. این موضوع در مورد عقد ازدواج نیز جاری می‌باشد.

از سوی دیگر، در حقوق انگلستان، تعهد غیرمعوذ برخلاف قانون مدنی ایران قابل تصور نیست. عوض در حقوق قراردادهای انگلستان یک "چیز با ارزش"^{۳۹} بوده که در مقابل تعهد ارایه شده و به منظور تنفیذ نمودن یک قرارداد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۴۰} عوض بایستی یک امر متناسب بر مبنای عرف بوده باشد اما محاکم دادگستری بریتانیا عموماً به این موضوع ورود پیدا نمی‌کنند که تعادل اقتصادی بین ارزش مالی عوض ارایه شده و ارزش هرگونه کالا یا خدماتی که دریافت شده است؛ برقرار می‌باشد. این امر به علت احترام به اصل حاکمیت اراده بین طرفین می‌باشد. به عبارت دیگر، صرف متناسب بودن عوض کفایت می‌نماید بدون این که محاکم قضایی بریتانیا به بررسی دقیق آن بپردازند. بنابراین، می‌توان چنین استنباط نمود که در عقد ازدواج نیز در صورت عدم تعادل اقتصادی عوض ارایه شده، دادگاه به آن برخلاف قوانین ایران ورود پیدا نکرده و این امر نیز یکی دیگر از جلوه های تمایز حقوق مالی زوجین در حقوق انگلستان و حقوق ایران محسوب می‌شود.^{۴۱} از سوی دیگر، طرفین بایستی قصد الزام آور نمودن توافق خود را داشته باشند و بنابراین در صورتی که این قصد با چنین کیفیتی در یکی یا هر دوی طرفین وجود داشته باشد، عقدی از جمله عقد ازدواج شکل نمی‌گیرد.^{۴۲}

اصل حاکمیت اراده در عقد ازدواج زوجین در حقوق انگلستان به نظر می‌رسد که از اهمیت بیشتری برخوردار باشد از جمله برای نمونه به دنبال وقوع ازدواج های اجباری اتباع بیگانه در انگلستان، اداره مهاجرت بریتانیا در دسامبر ۲۰۰۷ میلادی با صدور دو سند مشورتی با عنوان "ازدواج با شریک (پارتنر) از فراسوی بریتانیا و ویزاهای مهاجرتی"^{۴۳} یکی از موارد لغو اعطای ویزا به اتباع بیگانه را ازدواج اجباری آنها اعلام نموده است.^{۴۴} هم چنین، برخی

^{۳۸} Hyde v Wrencey [۱۸۴۰] ۳ Beav ۳۳۴.

^{۳۹} "something of value"

^{۴۰} Byrne v Van Tienhoven [۱۸۸۰] ۵ CPD ۳۴۴.

^{۴۱} Edwards v Skyways Ltd [۱۹۶۴] ۱ WLR ۳۴۹.

^{۴۲} ICS Ltd v West Bromwich [۱۹۹۸] ۱ WLR ۸۹۶.

^{۴۳} "Marriage to Partners from Overseas and Marriage Visas: Pre-Entry English Requirement for Spouses"

^{۴۴} Wray, Helena, "Regulating Marriage Migration into the UK: A Stranger in the Home", Routledge, ۲۰۱۶, p ۱۶۸.

ممنوعیت‌های ازدواج از جمله ممنوعیت ازدواج بین زوج مسلمان و زوجه غیرمسلمان یا ممنوعیت ازدواج همجنس‌بازان در حقوق ازدواج انگلستان وجود نداشته و از این ازدواج‌ها در حقوق انگلستان تحت عنوان "ازدواج مرکب" یاد می‌شود و بنابراین حقوق مالی زوجین در این نوع ازدواج‌ها نیز مطرح می‌گردد.^{۴۵}

در حقوق بریتانیا به‌جز اسکاتلند که می‌توان در سن ۱۶ سالگی اقدام به ازدواج نمود خواه این که والدین نسبت به ازدواج رضایت داشته باشند یا نه؛ سن ۱۸ سالگی به‌عنوان سن ازدواج مشخص شده است. بنابراین در سن ۱۸ سالگی، قصد زوجین برای تشکیل عقد ازدواج در حقوق انگلستان قانونی شناخته شده است.^{۴۶} البته زوجین در صورت داشتن سن ۱۶ سالگی و رضایت والدین هر دو طرف، امکان ازدواج دارند اما برخلاف حقوق ایران، امکان اجازه دادگاه در این مورد در صورت مخالفت والدین پیش‌بینی نشده است.^{۴۷} با وجود شناخت اصل حاکمیت اراده در حقوق انگلستان و از جمله در زمینه حقوق ازدواج، اما قانون انگلستان در مواردی مغایر با اراده طرفین عمل نموده است. برای نمونه در قوانین مهاجرتی بریتانیا، در صورتی که هدف اولیه از ازدواج مهاجرین، کسب تابعیت یا اقامت در بریتانیا بوده یا طرفین قصد نداشته باشند تا به‌صورت دائم به‌عنوان زوجین در بریتانیا اقامت داشته باشند یا طرفین با یکدیگر ملاقاتی نکرده باشند؛ ازدواج آنها باطل است.^{۴۸} هم‌چنین با توجه به این‌که ازدواج مجدد یا همان پولی‌گامی در حقوق انگلستان ممنوع اعلام شده است؛ بنابراین بر مبنای قانون قضایی انگلستان در قضایای *Scrimshire v. Scrimshire*؛ *Sottomayor v. De Barrios and Hyde v. Hyde*، حقوق مالی زوجین در نکاح‌های مجدد^{۴۹} بنا بر قاعده نظم عمومی قابل ادراک نیست.^{۵۰} در حقوق انگلستان بین دو نهاد مختلف "هم‌زیستی" و "ازدواج" در ارگان حقوق مالی

^{۴۵} Cleave, Joanne, "The Roman Catholic Tradition: Christian Lifestyle and Behaviour", Heinemann, ۲۰۰۲, p ۱۱۳.

^{۴۶} البته بایستی این موضوع را نیز ذکر نمود که یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌های اخیر بریتانیا، به تعویق انداختن ازدواج در این کشور می‌باشد؛ به‌طوری که سن میانگین اولین ازدواج برای زنان بریتانیایی از ۲۳،۱ سال در ۱۹۸۱ میلادی به ۳۰،۲ سال در ۲۰۱۱ میلادی افزایش پیدا کرده است. از سوی دیگر، علی‌رغم این‌که اکثریت تولدها یعنی ۵۲،۱ درصد تولدها در سال ۲۰۱۴ میلادی در چارچوب عقد ازدواج در انگلستان و ولز به وقوع پیوسته است اما سایر درصدهای این آمار در روابط خارج از ازدواج به وقوع پیوسته است و همین امر، حقوق مالی اطفال و حتی زن در خارج از عقود رسمی ازدواج را به میان می‌کشد. برای اطلاعات بیشتر ن.ک به:

Bradshaw, Jonathan, "The Well-being of Children in the UK (4th Edition)", Policy Press, ۲۰۱۶, p ۲۰.

^{۴۷} Byrnes, Andrew et al, "International Women's Rights Cases", Psychology Press, ۲۰۰۵, p ۶۲۶.

^{۴۸} Ibid.

^{۴۹} علاوه بر ممنوعیت ازدواج مجدد در مورد ازدواج بعد از طلاق نیز ممنوعیت‌های زیادی در حقوق انگلستان تا دهه پیش با توجه به مخالفت کلیسا به چشم می‌خورد که این ممنوعیت از سال ۲۰۰۱ و به دنبال اعلام کلیسا پایان یافت. برای اطلاعات بیشتر در این باره ن.ک به:

Cleave, Joanne, "Christianity: Behaviour, Attitudes & Lifestyles", Heinemann, ۲۰۰۱, p ۴۲.

^{۵۰} Bertram Nelson, Horace, "Selected Cases, Statutes and Orders Illustrative of the Principles of Private International Law as Administered in England: With a Commentary", Stevens, ۱۹۸۹, p ۱۵۴.

زوجین تمایز وجود دارد. حقوق مالی زوجین، تنها در زندگی مشترک در زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که «قرارداد همزیستی»^{۵۱} یا «قرارداد باهم‌مانی»^{۵۲} میان طرفین منعقد شده باشد. البته این که این قراردادها به لحاظ قانونی قابل اجراء باشد، در حقوق انگلستان قابل بحث بوده با این حال، می‌تواند نشان دهنده قصد اولیه طرفین نسبت به زندگی مشترک آنها باشد. با این حال، عملاً در چنین شرایطی، قراردادهای جداگانه در مورد هر یک از حقوق مالی ایجاد می‌گردد.^{۵۳}

در رابطه با حقوق مالی زوجین در قوانین انگلستان بایستی به چند مورد مهم اشاره نمود: با توجه به فرآیند صنعتی شدن کارکردن زنان در بیرون از منزل و ایجاد قوانین تضمین کننده در این زمینه در حقوق انگلستان، ضمن این که مبنای اقتصادی ازدواج در انگلستان به زیر سوال رفت بلکه در این زمینه، حقوق مالی زوج و زوجه در وزن نسبتاً مساوی قرار گرفت.^{۵۴}

۵- شرایط و آثار اصل حاکمیت اراده زوجین در حقوق مالی آنها

در بحث‌هایی که گفته شده مشخص می‌شود که در نهاد حقوقی اسلام، اموال و دارایی‌های زن و شوهر از همدیگر منفک و بوده پس زن از لحاظ مالی دارای استقلال می‌باشد. قبول این موضوع به عنوان یک اصل در روابط مالی زوجین، دارای عواقبی می‌باشد که میتوان به موارد زیر اشاره کرد.

۵-۱- نفی ولایت مرد بر اموال همسر

در وهله اول در این بخش، بایستی معتقد به این بود که ولایت با ریاست مرد بر خانواده متفاوت است و اتفاقاً در مورد دوم، قانون‌گذار قواعد حمایت کننده‌ای را به تصویب رسانیده است از جمله در زمینه تأثیر سروری زوج بر ممانعت اشتغال زوجه. چون ریاست خانواده برعهده مرد است، از باب مدیریت اذن مرد شرط شده است. اما از سوی دیگر، مرد حق ندارد بدون دلیل از اشتغال زن جلوگیری نماید و لازم است که مرد در صورت عدم مفسده و مصلحت بالاتر، به زن اجازه کار دهد. مرد حق ندارد زن را در حبس ابد نگه دارد و این کار با قاعده امساک به معروف و معاشرت به معروف که از دیدگاه قرآن کریم باید بر زندگی زناشویی حاکم باشد، سازگاری ندارد. هم‌چنین در خانواده اگر اشتغال همسر با مصالح خانواده یا افراد منافات داشته و یا مستلزم مفسده باشد، مرد به عنوان رئیس خانواده می‌تواند از کار زن جلوگیری به عمل آورد. در قانون مدنی در همین مورد آمده است:

^{۵۱} cohabitation contract

^{۵۲} living together agreement

^{۵۳} Barclay, Liz, " UK Law and Your Rights For Dummies " , John Wiley & Sons, ۲۰۱۱ , P۵۶.

^{۵۴} Wilkinson, Helen, " The Proposal: Giving Marriage Back to the People " , Demos, ۱۹۹۷, p۲۴.

“شوهر این توانایی را دارد که زن خود را از شغل یا صنعتی که با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود و زن در منافعی است، ممانعت کند.”^{۵۵}

استقلال اموال زوجین نخستین اثر آن این است که زن در اجرا و به کارگیری حقوق مالکیت، از آزادی و استقلال کامل بهره مند می‌باشد و در این‌گونه کارها خود، احتیاجی ندارد که رضایت همسر را داشته باشد. مخالفت شوهر بر اقدامات او تأثیری نخواهد داشت، به استثناء مواردی که کارهای زن در امور مالی خود با حقوق شرعی و قانونی مرد، اختلاف و مغایرت داشته باشد؛ مثلاً اگر زن تصمیم بگیرد در یک فعالیت اقتصادی به سفر تجاری برود باید رضایت همسر را داشته باشد. آنچه در اینجا بیان شد، ضرورت اصل استقلال مالی زوجین است، اما تعدادی از فقیهان برطبق آن فتوا نداده اند. از جمله مرحوم امام خمینی در تحریرالوسیله، درستی نذر مالی زوجه در اموال خود را هر چند عمل به نذر مغایرتی با حقوق زوجیت نداشته باشد، بسته به اجازه زوج دانسته است. پس روشن و مبرهن است چنین فتوایی با اصل استقلال مالی زوجین مغایر می‌باشد، و به همین دلیل است که تعدادی دیگر از فقها با این حکم مخالفت نموده و کسب اجازه زوج را لازم و ضروری ندانسته اند. البته دلیل فقهایی که به ضرورت کسب اذن شوهر فتوا داده‌اند روایتی صحیح بوده که دیگران در دلالت آن روایت آن را خالی از اشکال ندانسته اند.

۵-۲- شریک نبودن زن در درآمدهای شوهر

از آثار دیگر استقلال مالی زوجین این است که زن درآمدهای شوهر، شریک نبوده به جز موردی که شوهر باید نفقه به او بدهد. مثل زمانی که زن حرفه یا شغلی داشته باشد و حقوقی به دست آورد، شوهر در حقوق او که حاصل شغل و حرفه اش است سهمی ندارد. این نتیجه بسیار قابل قبول است و زمانی که هر دوی آنها شال بوده و درآمد دارند جای هیچ‌گونه اشکالی نیست. اما زمانی که زن به جای اشتغال در بیرون خانه، به فعالیت در منزل و همسراری و بچه‌داری می‌پردازد، مشکلاتی قابل پیش بینی است.

^{۵۵} با این حال، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایرانی در این زمینه رویکرد واحدی را اتخاذ نکرده باشد. اما در قانون جدید حمایت از خانواده، منع از کار زن از سوی مرد در صورت مغایرت با مصالح خانواده و یا حیثیت زن و مرد، منوط به تأیید دادگاه شده است. بنابراین بر مبنای قانون جدید، شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه، زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافعی خانوادگی و یا حیثیت خود و یا زن خود باشد، منع نماید. س در قانون خانواده، حق منع زوج به زوجه محدود شده است زیرا تأیید دادگاه را لازم می‌داند، برخلاف قانون مدنی که چنین شرطی ندارد. اداره حقوقی دادگستری نیز در نظر مشورتی شماره ۲۴۷ خود مورخ ۱۳۶۲/۵/۵ در این باره چنین پاسخ داد: “با توجه به ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی و ماده ۱۸ قانون حمایت از خانواده که به قوت خود باقی است، زوج می‌تواند با تأیید دادگاه، زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافعی خانوادگی و یا حیثیت خود و یا زوجه باشد، منع کند.”

زنی را تصور کنید که از همان ابتدای ازدواج، صاحب شغلی می باشد و از درآمد و حقوق دریافتی آن سرمایه به دست می آورد، و زن دیگری را تصور کنید که به درخواست شوهر، تمام عمر خود صرف امورات منزل میکند تا شوهرش بدون دغدغه، به کارهای ود بپردازد. در مورد زن مثال دوم، مرد باتوجه به فعالیت‌های اقتصادی و روزمره که داشته است، مرد صاحب سرمایه می‌شود؛ در اینجا فقط سهم زن در زندگی خود فقط همه تلاش و کوشش آن در تامین خوراک و پوشاک روزانه است.

نتیجه‌گیری:

در حقوق انگلستان به دلیل حدوث انقلاب صنعتی و وجود قوانین تضمین کننده مشارکت زنان در حوزه اشتغال، تعهدات مالی زوج در قبال ازدواج کاهش پیدا کرده و در این زمینه شاهد وجود یک نظام نسبتاً برابر در حوزه حقوق مالی زوجین هستیم. از طرف دیگر، اراده طرفین عقد نکاح در مورد حقوق مالی‌شان در نظام حقوق انگلستان در صورتی که با نظم عمومی مغایرت داشته باشد یا درصدد تقلب از قوانین باشد، باطل می‌باشد و از نافذ بودن حقوقی خارج می‌باشد. با این حال موارد خاص اصل حاکمیت اراده در حقوق مالی زوجین در حقوق انگلستان در قیاس با قواعد فقهی و قانون مدنی، قانون حمایت از خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین اسناد حقوق داخلی در محدوده حقوق مالی زوجین، بسیار ناچیز بوده است. با این حال، نظر به اهمیت نهاد خانواده هم در فقه و هم در قوانین ایران، قانون‌گذار و همچنین فقهاء تلاش اصلی را در این زمینه نموده‌اند تا حد امکان تعهدات زوجین نسبت به یکدیگر عمدتاً مبتنی بر تعهدات غیرمالی باشد تا مالی و این موضوع یکی دیگر از جنبه‌های تمایزات میان اصل حاکمیت اراده در حقوق مالی زوجین در نظام حقوقی ایران و انگلستان و فقه می‌باشد.

- ابدالی، مهرزاد؛ حدود اراده زوجین در تعیین مهریه و آثار آن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، بهمن ماه ۱۳۹۴
- احمد بن عبد ربه اندلسی، العقد الفرید، دوره ۴ جلدی، چاپ دوم، قاهره - مطبعة الاستقامة، ۱۳۷۲ ه.ق، ج ۲
- احمد بن حنبل، مستند (معروف به مسند احمد)، ۶ جلد، بیروت، المکتب الاسلامی، سال چاپ ندارد، ج ۱۷
- اسدی، لیلیا سادات؛ بررسی تطبیقی معاضدت‌های مالی حین طلاق و پس از آن، فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۱۳۹۰
- افرا، علی؛ بررسی فقهی و حقوقی قصد و نقش آن در تفسیر قراردادهای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تربیت معلم آذربایجان، شهریورماه ۱۳۹۰
- امیری اول، محمد؛ اصل حاکمیت اراده در قراردادهای، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، مهرماه ۱۳۷۵
- انصاری، شیخ مرتضی؛ المکاسب، ابتدای خیرات، ج ۳
- بیگدلی، عطالله؛ حاکمیت اراده در فقه امامیه، نظام رمی-ژرمنی و حقوق ایران؛ درآمدی مبنایی-فلسفی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال شانزدهم، شماره اول (پیاپی ۴۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۴
- خمینی، روح‌الله؛ کتاب البیع، ج ۲
- داوودی، هما؛ ارتباط قوانین خانواده و رویه قضایی با آسیب‌های خانوادگی، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، سال دوازدهم، شماره ۴۷
- رستمی محمدآبادی، هادی؛ محدود شدن اصل حاکمیت اراده با مداخله دولت در قرارداد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، زمستان ۱۳۹۳
- روشن، محمد و نعیمی، زکیه؛ اصلاح نظام مالی حاکم بر روابط زوجین (زندگی مشترک، دارایی مشترک)، فصلنامه خانواده پژوهی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۵
- السان، مصطفی؛ جایگاه قصد در تفسیر قراردادهای، مجله کانون، شماره ۶۵، ۱۳۸۵.
- سجستانی ازدی، ابی داود سلیمان بن الأشعث، سنن، دوره ۴ جلدی، نشریه داراحیاء السنه النبویه، سال چاپ ندارد، ج ۲
- شهید اول، القوائد و الفوائد، ترجمه سیدمحسن عبدالهادی، قم، انتشارات کتابفروشی مفید، بی تا
- عالی پناه، علیرضا و دیگران، رابطه الگوهای حقوقی اداره خانواده با حقوق مالی زوجین، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵
- کانونیان، ناصر؛ نقش قراردادهای خصوصی در نکاح
- کویانی فرد، حمید؛ مبانی حقوق حقوق مالی زوجین، دوفصلنامه رسالت حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳
- محمدی، امیر؛ نظام مالی خانواده، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷
- مصطفوی، محمدکاظم؛ القواعد؛ مائده قاعده فقهیه معنی و مدرکا و موردا، قم، بی نا، ۱۴۱۷ ه.ق

- Barclay, Liz, "UK Law and Your Rights For Dummies" ,John Wiley & Sons, ۲۰۱۱
- Bertram Nelson, Horace, "Selected Cases, Statutes and Orders Illustrative of the Principles of Private International Law as Administered in England: With a Commentary" ,Stevens, ۱۹۸۹
- Bier, Laura, "Revolutionary Womanhood: Feminisms, Modernity, and the State in Nasser's Egypt " , Stanford University Press, ۲۰۱۱
- Buckley, F. H. , "The Fall and Rise of Freedom of Contract" , Duke University Press, ۱۹۹۹
- Byrne v Van Tienhoven [۱۸۸۰] ۵ CPD ۳۴۴.
- Byrnes, Andrew et al , " International Women's Rights Cases " , Psychology Press, ۲۰۰۵ , p ۶۲۶.
- Cleave, Joanne, " Christianity: Behaviour, Attitudes & Lifestyles" ,Heinemann, ۲۰۰۱ , p ۴۲.
- Edwards v Skyways Ltd [۱۹۶۴] ۱ WLR ۳۴۹.
- Ginena, Karim and Hamid , Azhar, "Foundations of Shari'ah Governance of Islamic Banks" ,John Wiley & Sons, ۲۰۱۵
- Great Britain. Law Commission," Insurance Contract Law: The Business Insured's Duty of Disclosure and the Law of Warranties: a Joint Consultation Paper " , The Stationery Office, ۲۰۱۲
- Hyde v Wrencey [۱۸۴۰] ۳ Beav ۳۳۴.
- ICS Ltd v West Bromwich [۱۹۹۸] ۱ WLR ۸۹۶.
- Miles, Joanna et al, "Family Law: Text, Cases, and Materials" ,Oxford University Press, ۲۰۱۹
- Newman, S.M., "DEMOGRAPHY TERRITORY LAW ۲: LAND-TENURE & THE ORIGINS OF CAPITALISM IN BRITAIN" ,Lulu.com, ۲۰۱۶ , p ۱۵۶.
- Pharmaceutical Society of Great Britain v Boots Cash Chemist (Southern) Ltd [۱۹۵۳] ۱ QB ۴۱۰.
- Stover v Manchester City Council [۱۹۷۴] ۱ WLR ۱۴۰۳.
- Weston , Martin, "An English Reader's Guide to the French Legal System" ,Bloomsbury Academic, ۱۹۹۱ .

_ Wilkinson, Helen, "The Proposal: Giving Marriage Back to the People " ,Demos, ۱۹۹۷, p۲۴.

An Overview of the Principles and Conditions of the Principle of Willingness in Couples' Financial Laws in Iranian Law, Islamic Jurisprudence and English Law

Abstract:

The principle of sovereignty of the will as a fundamental principle dating back to Western law and especially industrial capitalism in English law in the ۱۷th and ۱۸th centuries, as a general principle governing a variety of contracts, including marriage. On the other hand, the principles and conditions of the principle of the rule of will in the financial rights of couples in Iranian law, jurisprudence and English law make significant differences with each other. Apart from the fact that, within the framework of the rules of fair trade, the rules of jurisprudence and the rules of morality, the principle of the rule of will can be affected in English law. Which includes marriage and financial rights of the couple, in other cases such as disproportion - meaning the financial rights of one spouse over another - can not be considered a restriction of the sovereignty of the couple. On the other hand, the principles of the rule of will in English law are based on principles such as the principle of good faith, fair trade and non-violation of the rules of jurisprudence. However, in Iranian law, which originates from Shiite jurisprudential standards, the principle of the rule of will in the financial rights of couples is severely limited compared to British law; In such a way that the legislator, despite recognizing the right of the couple, including in determining the amount of dowry, has limited its receipt to a certain capability

Keywords: Principle of Will, Marriage, United Kingdom, Shia Jurisprudence, Civil Law, Marriage Contracts.